



شهرآرامحله از وضعیت هیئت «رزمندگان اسلام» گزارش می دهد

بچه رزمنده های حسینی

دوسه سالی این شرایط را برای خودمان حفظ کردیم، ولی واقعت چیز دیگری بود. شهر آرام بود و مردم داشتند زندگی خودشان را می کردند. روحیه ما روحیه حاکم بر شهر نبود

قاسمی - اولین بار سال ۱۳۶۸ بود که بچه های گردان ها و واحدهای مختلف جبهه در مشهد جلسه ای برپا کردند تا هیئتی مذهبی داشته باشند. آن ها که حدوداً ۳۰ نفر بودند، می خواستند حال و هوای خودشان و جبهه ها را به تمام شهر منتقل کنند. جلسه ای که تشکیل آن، با ماه مبارک رمضان مصادف شد. همان زمان بود که بچه رزمنده ها برای برگزاری جلسات در ۳۰ شب، مسجد «کرامت» را انتخاب کردند و ماه مبارک رمضان را به شکلی که نظیر با حضور انبوه مردم و همراه با جلسات قرآنی باشکوه پشت سر گذاشتند. بعد از آن، جلسات هفتگی و ماهیانه هم شکل گرفت و در نهایت هیئتی مذهبی برای عزاداری امام حسین (ع) تأسیس شد. در دهه سوم ماه مبارک رمضان همین بچه ها جلسه ای برگزار کردند که سردار قاتانی، جانشین سپاه وقت، هم در آن حضور داشت. در آن جلسه تعدادی از دوستان به عنوان هیئت مدیره انتخاب شدند و به این شکل بود که کار پیش رفت تا همین الان که هیئت «رزمندگان اسلام» مشهد، یکی از بزرگترین و فعال ترین هیئت های مذهبی مشهد است؛ هیئتی که مراسم دهه اول محرم و دهه آخر صفر را به شکلی باشکوه برگزار می کند. در ادامه با حاج آقا صداقت، یکی از اعضای هیئت مدیره هیئت «رزمندگان اسلام»، همسر شهید چراغچی و یکی از فعالان فرهنگی این تشکل به گفتگو می نشینیم و سعی می کنیم ویژگی های برجسته این تشکل بزرگ مذهبی را بررسی کنیم.

سنگر بچه رزمنده های عزادار

می خواستیم روحیه مان را در شهر منتشر کنیم می خواستیم حال و هوای دفاع مقدس را به شهر بیاوریم. با همین نگاه بود که یک روز نشستیم دور هم و برای برپایی یک هیئت مذهبی جلسه ای تشکیل دادیم. همه مان رزمنده هایی بودیم که سنگر و خاکریز را تجربه کرده بودیم. آن زمان روحیاتمان عجیب بود و عجیب تر اینکه می خواستیم روحیه مان را همه جای شهر منتشر کنیم. جلسه برگزار می کردیم، مراسم می گرفتیم، خیلی وقت ها ساعت ها از نیمه شب می گذشت و ما هنوز در جلسه بودیم. در جلسه بودیم اما انگار روی خاکریز و خط مقدم فعالیت می کردیم. خیلی هادر مراسم خسته می شدند و می رفتند خانه های شان. این ها برای ما عجیب بود، چون ما هنوز بودیم و دوست داشتیم مراسم ادامه داشته باشد. برخی هم به کنایه می گفتند: «شما فرهنگتان را آوردید اینجا».

فقط دوست داشتیم این فضا را داشته باشیم. بخش زیادی از چهارراه شهدا به دلیل مراسم ما ترافیک و راه بندان می شد. می گفتند: «باز این بچه رزمنده ها آمدند و اینجا را شلوغ کردند». اگر امروز می بینید هیئت پا گرفته به خاطر همان فضاست، به خاطر حضور گرم خانواده شهدا که تا امروز هم ادامه دارد.

سنگر شهید شوشتری

باتدبیر شهید شوشتری هیئت پا گرفت آن زمان، مکان مستقل نداشتیم و به همین دلیل هر روز در گوشه ای از شهر برنامه هایمان را برگزار می کردیم؛ یک روز پاساژ «فیروزه»، یک روز مسجد «کرامت» و تا اینکه به تدبیر شهید شوشتری، سنگ بنای ساختمان امروز هیئت گذاشته شد. امروز هیئت «رزمندگان اسلام» صاحب ساختمانی بزرگ در مصلی ۱۱ است که کمتر هیئت مذهبی ای این چنین مکانی دارد. خوب است که در ایام نزدیک به شهادت شهید شوشتری از این اقدام عاقبت به خیری آن بزرگوار یاد کنیم؛ البته شهید شوشتری چندتا کار عاقبت به خیری دیگر هم داشتند که هیئت «رزمندگان اسلام» و بنای آن تنها یکی از آن ها است. مرحوم سعید نجات هم در تشکیل هیئت نقش مهمی داشتند. الان به خاطر زحمات فراوان او عکسش را در حسینیة زده ایم؛ اما شهید شوشتری در رأس بنیان گذاران فعالیت

می کرد. او در آن مقطع رئیس هیئت امنای مجموعه بود و یک سری افراد را برای هیئت امنای آورده بود که ما از آن ها کمک می گرفتیم. شهید شوشتری تا قبل از شهادتش همین موقعیت را داشت. یاد می آید در همان جلسه ای که سال ۶۸ داشتیم، به ما گفت: «اگر همین الان باز نشست شوم می آیم همین جا و شروع می کنم به کار فرهنگی انجام دادن». شهید شوشتری در مسائل فرهنگی خیلی صاحب نظر بود، ولی زیاد اهل مصاحبه و حرف نبود؛ بیشتر اهل عمل بود و همین اهل عمل بودن او باعث شد امروز چنین هیئت و بنایی داشته باشیم. بنایی که الان داریم حدود ۶ هزار و پانصد متر است که آن زمان آن را به صورت متراژی به فروش رساندیم. آن زمان دوستان هیئت مدیره و هیئت امنای پیشنهاد دادند کار مشارکتی و مردمی داشته باشیم. برای همین گفتیم هر کس می خواهد برای آخرت خودش کاری انجام دهد بیاید و زمین را متراژی بخرد. در اصل از سال ۷۳ و ۷۴ بنا احداث شد، ولی هنوز هم خیلی تکمیل نشده است. دیدگاهمان این بوده که با کمک های مردمی این کار را انجام دهیم. خود سپاه کمک هایی کرده ولی هنوز به دستگاه های دیگر مراجعه نکرده ایم. فقط خواستیم از مردم کمک بگیریم؛ خیلی ها هم می خواستند در این کار مشارکت کنند. ما معتقدیم هیئت، دست ما امانت است؛ برای همین نمی خواهیم کسی را بیاوریم که با

